

نویسنده: ال مایکر هاگل «L. Michael Hager»

منبع و تاریخ نشر: کونترپانچ «03-2024-18»

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»

خیلی کوچک ؛ خیلی دیر

Too Little; Too Late



منبع عکس: سفارت ایالات متحده در تل آویو - CC BY 2.0

پس از پنج ماه تقابل اسرائیل علیه فلسطینیان در غزه، دولت بایدن اکنون خود را در دو جهت یادردوراهی می بیند. از یک طرف، این کشور همچنان به تامین بمب های ایالات متحده که به طور بی رویه در شمال و جنوب غزه می ریزد، ادامه می دهد. در همان زمان یا درعین زمان، از هوا بسته های غذا را برای گرسنگان غزه می ریزد. در حالی که پرزیدنت بایدن اکنون اذعان می کند که واکنش اسرائیل به قتل عام 7 اکتبر "بیش از حد" است، او در آخر هفته گذشته مجدداً بر حمایت بی قید و شرط خود از اسرائیل تاکید کرد و اعلام کرد: "من هرگز اسرائیل را ترک نمی کنم."

در واکنش به کشتار 7 اکتبر، بنیامین نتانیا هو، نخست وزیر اسرائیل، برنامه خود را برای از بین بردن حماس از طریق یک جنگ انتقام جویانه علیه غزه اعلام کرد. وقتی بایدن در 10 اکتبر آن طرح را تایید کرد و وعده تسلیحات بیشتری داد، باید می دانست که

تا زمانی که ظلم اسرائیل ادامه داشته باشد، حماس واقعاً از بین نخواهد رفت. او باید می دانست که کارزار زمین سوخته در نوار پرمجمعیت غزه، جنگی علیه مردم فلسطین خواهد بود، نه فقط علیه حماس. او باید می دانست که دولتش با کمک به اسرائیل، فلسطینیان بی گناه را به رنج و مرگ شدید محکوم می کند.

کابینه جنگ اسرائیل نه تنها بمباران بی امان را در غزه آغاز کرد، بلکه از ورود غذا، آب صحتی و سالم، سوخت و سایر نیازهای انسانی به نوار غزه نیز جلوگیری کرد. از آنجایی که تاکتیک جنگ گرسنگی غزه را به مرز قحطی رساند، اسرائیل شروع به اجازه برخی کمک های بشردوستانه کرد، اما از آنچه برای برآوردن نیازهای بیش از دو میلیون نفر از جمعیت آسیب دیده از جنگ لازم است این نوع کمک ها فاصله ای زیادی داشت.

در اوایل ماه جنوری، مقامات سازمان ملل و کارشناسان دانشگاهی هشدار داده بودند که غزه "در آستانه قحطی" قرار دارد. با این حال، برنامه های اسرائیل برای حمله به رفح (جایی که بیش از یک میلیون فلسطینی به آنجا پناهنده شده بودند)، مسائل «روز بعد» و مذاکرات ناموفق گروگان ها، داستان هایی بود که مورد علاقه مطبوعات بود. تقریباً هیچ چیز در مورد قحطی در محلات اصلی وجود ندارد. در همین حال، اسرائیل به بمباران و حمله به اهدافی در شمال و جنوب غزه ادامه داده است و تعداد کشته شدگان را به بیش از «31000» نفر رسانده است.

فقط در ماه فوریه دولت بایدن با احتمال قحطی گسترده بیدار شد. در نشست های دیپلماتیک مختلف، از اسرائیل خواست اجازه دهد کامیون های مواد غذایی بیشتری وارد غزه شوند و اقداماتی را برای کاهش تلفات غیرنظامیان انجام دهد. ارتش اسرائیل با بمباران رفح پاسخ داد و حملاتی را به غزه های گرسنه اطراف کامیون های مواد غذایی هدف قرار داد. هم شهروندان اسرائیلی و هم برخی از سربازان کاروان های کمک رسانی را در برخی از نقاط ورودی مسدود کرده اند.

تیم بایدن به جای جلوگیری از تسلیحات، محدود کردن آنها یا قطع روابط با نتانیا هو، دو طرح یکجانبه را ارائه کرد که بیشتر برای رفع نگرانی های مردم طراحی شده بود تا نیازهای فوری فلسطینیان گرسنه. اولین روش تحویل بسته ها از طریق هوا بود، روشی ناکارآمد و پرهزینه در مقایسه با تحویل توسط کاروان های کامیون. ثابت شده است که قطرات هوا نیز خطرناک هستند و وقتی چترها نتوانند باد کنند، تعدادی را روی زمین می کشند. دوم ساخت یک اسکله شناور است که می تواند غذا را از طریق دریا دریافت کند.

ایده اسکله ممکن است دو یا سه ماه پیش ایده خوبی بوده باشد. اکنون این به عنوان یک شوخی بی رحمانه به نظر می رسد زیرا هزاران نفر از ذینفعان مورد نظر احتمالاً قبل از اینکه اسکله دو ماه آینده به بهره برداری برسد، از گرسنگی خواهند مرد. از بیرون، سیاست

بایدن آشکارا ناسازگار است. این کشور خواستار کمک های بشردوستانه در حالی است که به بمب ها و گلوله های آمریکا اجازه می دهد تا مردم غزه را بکشند. هدف بایدن چیست؟

در حالی که اعتراضات طرفدار فلسطین (که توسط رسانه ها عمدتاً نادیده گرفته می شود) در سراسر جهان بالا گرفته است، رئیس جمهور ایالات متحده تا حدودی موضع قاطعانه طرفدار اسرائیل خود را تعدیل کرده و حتی انتقادات سناتور شومر از نتانیاهو را تأیید کرده است. با این حال، اقدامات او برای حمایت از اسرائیل بلندتر از درخواست های او برای میانه روی اسرائیل است. در واقع گفتار و کردار او هم کم است و هم دیر.

اگر پرزیدنت بایدن واقعاً بخواهد کشتار در غزه را متوقف کند، در اینجا چه کاری می تواند انجام دهد: - تمام کمک های نظامی و انتقال تسلیحات را متوقف کنید.

- درخواست شورای امنیت سازمان ملل برای آتش بس را بپذیرید.
- تهدید به قطع روابط دیپلماتیک
- اعضای کابینه جنگ را تحریم کنید.
- مذاکره برای پناهگاه موقت غزه در مصر.
- حمایت از پاسخگویی قانونی برای جنایات جنگی.

متأسفانه، هیچ یک از این مراحل به احتمال زیاد در دولت فعلی رخ نخواهد داد. و حتی اگر انجام شود برای نجات هزاران نفری که قبلاً در اثر بمباران اسرائیل کشته شده اند، بسیار کم و دیراست. با این حال آنها برای محافظت از کسانی که هنوز زندگی می کنند بهتر از هیچ هستند.

سطری در مورد نویسنده این مقاله :

ال. مایکل هاگر یکی از بنیانگذاران و مدیرکل سابق سازمان حقوق توسعه بین المللی رم است

----- **با تقدیم احترامات (18-03-2024)**



مقاله دوم به ارتباط دیوانگی اسرائیل:

نویسنده : شلدون ریچ مین «Sheldon»

منبع و تاریخ نشر: انتی وار (2024-03-14).

برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

آیا اسرائیل دیوانه است؟

Is Israel Mad?

آیا اسرائیل دیوانه شده است؟ یا همیشه دیوانه بوده است؟ مملکت چه فکری می کند؟

اسا می جمعی با توجه به حمایت گسترده در آن کشور از حمله نظامی وحشتناک دولت اسرائیل به مردم نوار غزه در پنج ماه گذشته معقول به نظر می رسند. اسرائیل - و حامیان بیرونی اش چگونه میتوانند بمباران ها (تمجید آمریکایی های اجباری)، حملات زمینی، قحطی گسترده، ترور و بقیه جنایاتی را که هر روز شاهد آن هستیم، تشویق کنند؟ تعداد کشته ها به 31000 نفر می رسد که بیشتر آنها نوزادان، کودکان، زنان و پیرمردان هستند نه جنگجو. بسیاری دیگر مادام العمر از کار افتاده اند. مردم غزه - از جمله نوزادان - فاقد غذا، آب خوب، خدمات و تجهیزات پزشکی و دارو، از جمله بیهوشی هستند. کمک های بشر دوستانه بخش کوچکی از نیاز آنهاست. بسیاری از آنها از خانه های خود رانده شده اند، که هرگز به آنجا باز نخواهند گشت زیرا ساختمان ها ویران شده اند.

و هیچ پایانی در چشم نیست! آیا لازم است قتل آخرین غزه متوقف شود؟ برای ناظرانی که چشمان روشنی دارند که در مانده از دور تماشا میکنند، دلخراش است. ما حتی نمی توانیم دولت بایدن را از ارسال بمب، گلوله و قطعات یدکی به اسرائیل بازداریم - بدون آنها این کار نمی تواند ادامه یابد.

اینها انسانهای غزه هستند، به خاطر بهشت! قتل عام را متوقف کنید! حامیان اسرائیل ممکن است فکر کنند که بیان کلمه حماس تمام توجیهات لازم را فراهم می کند. این نمی تواند باشد. شهود اخلاقی عقل سلیم که تقریباً در اختیار همه است چیز دیگری می گوید. بله، حماس در 7 اکتبر اقدامات وحشتناکی انجام داد. پس این پاسخ است؟ مرگ دسته جمعی، جراحت و ویرانی؟ نگوئید «اسرائیل دیگر چه می توانست بکند؟» ناتوانی در فکر

کردن به کار دیگری مجوزی برای کشتن ده ها هزار نوزاد، کودک، ناتوان، سالخورده و بقیه نیست. این معنی ندارد.

حماس قبل از اواخر دهه 1980 چیزی نبود. چرا اسرائیل قبل از آن حاضر به رفتار عادلانه با فلسطینی ها نبود؟ شاید ما هرگز نام حماس را نشنیده بودیم. اما اسرائیل خیلی قبل از نتانیا هو حماس را تشویق کرد، زیرا سازمان اسلامی به عنوان رقیب مذهبی برای ساف مردمی و سکولار شناخته می شد. از این رو می توان از حماس برای تجزیه فلسطینیان استفاده کرد. تفرقه بینداز و حکومت کن. سود بردن از اسرائیل.

تاریخ از 7 اکتبر 2023 آغاز نشد بلکه بیش از صد سال پیش آغاز شد. چرا؟ زیرا اعراب اعم از مسلمان و مسیحی جرأت داشتند در سرزمین موعود یهود زندگی کنند. خوب، صهیونیسم در واقع گفت: «ما برگشتیم. از اینکه به همه چیز توجه می کنید متشکریم، اما اکنون می توانید بروید. و اگر نروید، به زور شما را «انتقال» می کنیم.»

بنا بر این غزه زود پزی بود که در برنامه مرگبار خود از مدت ها قبل تنظیم شده بود. وقایع بعدی، مانند محاصره نوار توسط اسرائیل و حملات مکرر نظامی، اوضاع را بدتر کرد. این یک بهانه نیست، بلکه اطلاعات ضروری است - زمینه کامل - برای درک آنچه در حال وقوع است.

چرا ادامه دارد؟ من فکر می کنم یکی از دلایل آن جنبه ای از فرهنگ صهیونیستی و اسرائیلی است که سال ها پیش از برخی یهودیان اروپایی (اشکنازی) و نه همه آنها سرچشمه گرفته است. صهیونیسم در اواخر قرن نوزدهم در اروپا ظهور کرد. اما یهودیان در جاهای دیگر نیز زندگی میکردند. این تجسم این باور بود که تاریخ اروپا - حتی قبل از نازی های نسل کشی - و نفرت مادرزادی ادعایی جهان از یهودیان، هر چیزی را که به ظاهر ضروری است برای بقا مجاز کرده است. نظر جهان مهم نیست - جهان هر چه باشد از "ما" متنفر خواهد شد. بنابراین قوانین متفاوت است. همانطور که خاخام استوارت فدرو پس از 7 اکتبر گفت: "چه دلیلی بهتر از آنچه در جهان امروز می گذرد وجود دارد که ما بندگان خدا هستیم که رنج می کشیم زیرا ما بندگان خدا هستیم؟ چرا یهودستیزی وجود دارد؟ زیرا در اعماق قلب و روحشان می دانند که حق با ماست.»

من از اصطلاحات محدود تر اشکنازی، اسرائیلی و فرهنگ صهیونیستی استفاده کردم، نه فرهنگ کلی یهودی. این به این دلیل است که صهیونیسم هرگز شبیه دیدگاه یکپارچه یهودیان نبود. همچنین، هیچ فرهنگ یهودی واحدی وجود ندارد. یهودیان از فرهنگ ها، زبان ها و ملیت های بسیاری هستند. ما تشویق شده ایم که آن را فراموش کنیم. یهودیان عرب (درست خواندید)، میزراهی، چیزها را متفاوت از اشکنازیم ها می دیدند، زیرا آنها نسل ها در کنار همسا یگان مسلمان عرب خود زندگی و پیشرفت کرده بودند. از مورخ آوی شلیم، مورخ یهودی عراقی الاصل بپرسید. از آلون میزراهی بپرس.

یهودیان عرب به زبان عربی صحبت می کردند، لباس عربی می پوشیدند، به موسیقی عربی گوش می دادند و غذاهای عربی می خوردند. نخبگان اسرائیلی اشکنازی آنها را «بیش از حد عرب» می دانستند و برای «اسرائیل کردن» آنها کار می کردند، در حالی که تعداد بسیار کمی از یهودیان اروپایی و آمریکایی مایل به مهاجرت بودند.

دلیل دیگر مناسب تر بودن واژه صهیونیست ها و اسرائیلی های اشکنازی نسبت به یهودیان محدودتر این است که بسیاری از یهودیان از آنچه اسرائیل انجام می دهد شوکه شده اند. ببینید چه کسی به طور دسته جمعی برای اعتراضات ضد اسرائیلی در ایالات متحده و سایر کشورهای غربی شرکت می کند و حتی رهبری آن را بر عهده می گیرد: صدای یهودی برای صلح و IfNotNow. آنها پیراهنی می پوشند که فریاد می زند: «به نام ما نیست». پیشنهاد مذهب بسیاری از برجسته ترین منتقدان بدرفتاری «دولت یهود» با فلسطینیان را در نظر بگیرید. یهودیت در مقابل جهان نیست. این صهیونیسم در مقابل یهودیان و جهان است. هر روز بر صفوف یهودیان ضد صهیونیست و غیر صهیونیست افزوده می شود. سرزنش «یهودیان» به خاطر رفتار بد اسرائیل بیهوده است. یاد داشت به نسبتاً معدودی از یهودی ستیزان واقعی که تظاهرات ضد اسرائیلی را مذموم می کنند: به سایه ها بازگردید. شما خوش آمدید.

قدمت ضد صهیونیسم یهودی به اندازه خود صهیونیسم یهودی است. صهیونیست های اولیه، مانند جانشینان خود، معتقد بودند که یهودیان یک «نژاد» یا گروه خونی واحد را تشکیل می دهند. بر اساس این ذات گرایی، نمی توان از یهودی بودن دست برد. نازی ها بعداً با خوشحالی موافقت کردند. تا جایی که هر کسی باور دارد که امروز هیتلر پیروز شده است.

یهودیان ضد صهیونیست ذات گرایی را رد کردند. آنها فهمیدند که یهودیت یک دین است (و هست) و یهودیان پیروان آن از «نژادها»، قومیت ها و ملیت های بسیاری تشکیل شده اند. در آمریکا، جنبش یهودی اصلاحات موافقت کرد و صریحاً از این ادعا که آنها مهاجری هستند که مشتاق «بازگشت» به خانه ملی خود در فلسطین هستند، رد کرد. از نظر آنها یهودیت وجود داشت تا کلام خدا را گسترش دهد و سرمشقی برای جهان باشد. ناسیونالیسم با آن مأموریت در تضاد بود. یهودیت جهانی پیشگویانه آنها بود که مدتها با قبیله گرایی و طرز فکر گتو درگیر شده بود.

اکثر یهودیان ارتدوکس به دلایل مشابه صهیونیسم را رد کردند. (پدر بزرگ پدری من یکی بود.) در واقع، آنها پرسیدند: "کجا نوشته شده است که خدا هر تزل ملحد یا بن گوریون ملحد را به عنوان مسیحا منصوب می کند؟" به گفته ارتدوکس ها، خداوند (با استفاده از رومی ها) یهودیان را در سال 70 میلادی از یهودیه تبعید کرد زیرا آنها گناه کرده بودند. ورود مسیحا، یک مرد، پادشاه و جنگجو، نه یک موجود الهی، زمان بازگشت را بشارت می دهد. (شلمو ساند مورخ اسرائیلی نشان می دهد که هیچ مدرکی دال بر تبعید وجود ندارد.)

یهودیان ضد صهیونیست، چه اصلاح طلب و چه ارتدوکس، سه دلیل برای رد صهیونیسم داشتند. **اول**، یهودیت را به بت پرستی تبدیل می‌کند. به جای یهوه و تورات، هدف پرستش دولت اسرائیل خواهد بود. در تاسف یهودیان ضد صهیونیست، یک غیر تمرین کننده ملحد با مادری یهودی می‌تواند از نظر صهیونیست‌ها یک یهودی با موقعیت خوب (و واجد شرایط برای شهروندی اسرائیل) باشد تا زمانی که «دولت یهود» را دوست داشته باشد.»

دوم، اولین یهودیان ضد صهیونیست اشاره کردند که فلسطین "سرزمینی بدون مردم" نیست. آنها می‌دانستند که مسلمانان، مسیحیان و سکولارهای عرب نسل‌ها در آنجا زندگی کرده‌اند. علاوه بر این، آنها هشدار دادند که تحقیر محسوس صهیونیست‌های اروپایی از مردم محلی و طمع استکبار آنها به سرزمین، ناگزیر مشکلاتی را به همراه خواهد داشت. همانطور که ایلان پایه مورخ اسرائیلی می‌گوید: «یهودیان مجبور بودند از اروپا فرار کنند تا پناهگاهی امن پیدا کنند. اما شما نمی‌توانید با ایجاد فاجعه [نکبت] برای دیگران، پناهگاه امنی ایجاد کنید.»

سوم، یهودی ستیزان یهودی می‌ترسیدند که صهیونیسم و به اصطلاح «دولت یهودی» آن، زندگی یهودیانی را که پس از مبارزات دلیرانه برای رهایی، پذیرش و جذب، با خوشحالی در ایالات متحده و دیگر کشورهای غربی ساکن شده بودند، به خطر بیندازد. یک دولت انحصارگرا، یهودی ستیزان را تشویق می‌کند، که در واقع می‌گویند: «شما یهودی‌ها اکنون راه دولتی خاص خود را در آنجا دارید. بگذار کمکت کنم چمدان هایت را ببندی.» این یک نگرانی واقعی بود زیرا خیلی چیزها در خطر بود. (برای اطلاعات بیشتر درباره یهودیان ضد صهیونیست، به مقاله *Reform Alfred Lilienthal's* در سال 1949 با عنوان "پرچم اسرائیل مال من نیست" مراجعه کنید. همچنین ویدیوهای یوتیوب خاخام یاکوف شاپیرو ارتدکس ضد صهیونیست را بررسی کنید.)

شرم آور است که پس از سال 1948، دولت اسرائیل و حامیان آمریکایی آن برای بی اعتبار کردن یهودیان ضد صهیونیست تلاش کردند، زیرا آنها در مورد خلع ید و حتی قتل عام فلسطینیان توسط شبه نظامیان ظالم صهیونیست که نخست وزیران آینده اسرائیل را در صفوف خود داشتند، به مردم اطلاع دادند. بدون آن نکهت، هیچ «دولت یهودی» نمی‌توانست از طریق خود اعلامی به وجود بیاید. (برخلاف تصور عمومی، سازمان ملل متحد فلسطین را به کشورهای عربی و یهودی تقسیم نکرد، زیرا فاقد قدرت انجام این کار بود. در عوض، مجمع عمومی به پیشنهاد تقسیم رأی داد. رجوع کنید به جرمی آر. هاموند «افسانه ایجاد اسرائیل در سازمان ملل».)

اگر صهیونیست‌های یهودی صادقانه نگران افزایش یهودستیزی هستند و باز هم فقط برای پاک کردن اسرائیل از انتقادات مشروع، «گرگ» نمی‌خوانند، باید به بد رفتاری و تحقیر

اسرائیل با فلسطینی‌ها در اسرائیل یعنی کرانه باختری نگاه کنند. ، و غزه به عنوان منبع. که ممکن است روشن‌تر باشد.

اما آیا صهیونیست‌های یهودی واقعا نگران یهودستیزی هستند؟ گلدایر، نخست وزیر سابق اسرائیل که وجود فلسطینی‌ها را به طرز بدنامی انکار می‌کرد، نگران آنچه به گفته او دو خطری است که مردم یهود با آن روبرو هستند: نابودی و همسان سازی. آژانس تلگراف یهود در 17 ژوئن 1972 گزارش داد:

مایر به یهودیان آمریکایی در مورد خطرات جذب هشدار می‌دهد

نخست وزیر گلدایر به یهودیان آمریکا در مورد آنچه که او آن را "خطرات همسان سازی و ازدواج‌های مختلط" خواند، هشدار داد. نخست وزیر در جلسه افتتاحیه هفتاد و پنجمین کنوانسیون سازمان صهیونیستی آمریکا گفت که به مسائل موجود و امنیت خود اسرائیل نیز جدی می‌نگرد. او ZOA و دیگر صهیونیست‌های آمریکایی را به چالش کشید: "آیا مطمئن هستید که فرزندان و نوه‌های شما یهودی خواهند ماند؟"

اگر با توجه به فرصتی که موجودیت اسرائیل برای تقویت قوم یهود فراهم می‌کند، شکست بخوریم، از حکم تاریخ در مورد این نسل می‌ترسم. هیچ تراژدی بزرگتر از این نمی‌تواند وجود داشته باشد... سوال بزرگ این است: آیا یهودیت می‌تواند در جوامع آزاد [یعنی بردبار - SR] شکوفا شود؟ اکنون می‌بینیم که نه تنها از طریق نفرت و ستم می‌توان تعداد یهودیان را کاهش داد، بلکه از طریق عشق و آزادی نیز می‌توان تعداد یهودیان را کاهش داد.»

خانم مایر گفت که راه حل این بود که یک زندگی فشرده یهودی در دیاسپورا، با اسرائیل، آموزش عبری و تمایل به علیا [یعنی مهاجرت دائم به اسرائیل - SR] به عنوان ویژگی‌های اصلی آن بود.

این قابل توجه است. آیا او فکر می‌کرد که کمی یهودستیزی می‌تواند با تقویت هویت یهودی از همسان‌سازی و ازدواج‌های مختلط جلوگیری کند؟ همانطور که هر نزل گفت، یهودی ستیزان «ما» را یهودی می‌کنند. هر کسی که فکر می‌کند اسرائیل برای از بین بردن یهودی ستیزی و امن کردن مردم یهودی ضروری است، متأسفانه در اشتباه است. کجا یهودیان کمتر از اسرائیل امن هستند؟ قطعاً آمریکا نیست.

آلون میزراحی یهودی عرب اسرائیلی اشاره می‌کند که صهیونیسم را باید بر اساس آنچه انجام می‌دهد مورد قضاوت قرار داد نه با آنچه می‌گوید. او می‌نویسد: «فلسطینی‌ها قربانیان اصلی صهیونیسم هستند و برای همیشه خواهند بود». اما مدت زیادی است که از بهای وحشتناکی که یهودیان برای آن پرداخته‌اند از نظر انسانی بودن، اخلاقیات، آزادی و

خلاقیت و، به طرز غم انگیز، احساس مکان و تعلق آنها در میان برادران و خواهران ما غفلت کرده ایم. نژادها و مکان ها، از جمله، بله، فلسطین."

چند سطری در مورد نویسنده این مقاله :

آمین شلدون ریچمن سردبیر اجرایی مؤسسه لیبرترین و یکی از ویراستاران در *Antiwar.com* است. او سردبیر ارشد سابق مؤسسه کاتو و مؤسسه مطالعات انسانی است. سردبیر سابق *The Freeman* که توسط بنیاد آموزش اقتصادی منتشر شد. و معاون سابق رئیس جمهور در بنیاد آینده آزادی. آخرین کتاب های او آمدن به فلسطین و آنچه حیوانات اجتماعی به یکدیگر بدهکارند هستند.

----- **با تقدیم سلامها** «2024-03-20»